



جایگاه فلسطین و مسئله صهیونیسم در اندیشه و مبارزات آیت الله طالقانی

بیژن تقی‌زاده

اشاره

بنیان‌های فکری و اعتقادی آیت‌الله طالقانی در مورد قوم یهود و مسئله فلسطین را می‌توان در دو حوزه مورد بررسی قرار داد؛ حوزه اول تفاسیری است که ایشان از قرآن به‌خصوص سوره بقره داشتند و حوزه دوم اقدامات و سخنرانی‌های ایشان درباره رژیم صهیونیستی و فلسطین می‌باشد.

ایشان با توجه به سیر تاریخی و نص صریح قرآن و همچنین حمایت‌های استعمارگران از این قوم به این نتیجه دست یافتند که عمل نمودن به دستورات قرآن از جمله بحث جهاد و شهادت، علاج این بحران بزرگ در جهان اسلام می‌باشد.

از آنجا که اقدامات و بنیان‌های فکری آیت‌الله طالقانی نسبت به مسئله یهودیت و صهیونیسم مهجور واقع شده است، این تحقیق با دو رویکرد تاریخ‌نقلی و تاریخ‌تحلیلی به بررسی آن می‌پردازد؛ ضمن اینکه در مقاله پیش رو به مباحث جهاد و شهادت از دیدگاه ایشان و همچنین به عوامل فتنه داخلی و خارجی و طرق دفع فتنه‌ها با تأکید بر صهیونیسم، پرداخته می‌شود.



آیت‌الله طالقانی در طول مبارزات سیاسی خود، با سه گروه مستبدان داخلی، استعمارگران خارجی و روحانیون درباری مبارزه می‌کرد و در این میان گروه آخر اهمیت خاصی داشت

مقدمه

سید محمود طالقانی در چهارم ربیع‌الاول سال ۱۳۲۹ هجری قمری مطابق با پانزدهم اسفند سال ۱۲۹۰ هجری شمسی و مارس سال ۱۹۱۱ میلادی در گلپرد طالقان در خانواده‌ای روحانی چشم به جهان گشود. پدر وی آیت‌الله سید ابوالحسن از جمله پیروان و منادیان مکتب نجف و مجاهد طرفدار مشروطه مشروعه، به همراه شهید مدرس

از شاگردان آیت‌الله میرزای شیرازی بودند.

آیت‌الله طالقانی که تحصیلات مقدماتی را نزد پدر و دروس حوزوی را در محضر اساتیدی همچون آیت‌الله خوانساری، حجت، مرعشی، محمدتقی یزدی و ادیب‌تهرانی فراگرفت، در نزد علما و مراجع بزرگ معاصرش مقام و منزلت خاصی داشت و با اکثر آنها در ارتباط بود؛ به طوری که در جهان بینی اسلامی و مسائل علمی و فقهی و اداره حوزه‌ها او را صاحب‌نظر می‌دانستند. از نبوغ ذاتی ایشان آن بود که در سنین ۳۰-۲۵ سالگی از محضر آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله حائری اجازه‌نامه اجتهاد و از آیت‌الله قمی و آیت‌الله مرعشی اجازه‌نامه حدیث و از طرف وزارت معارف هم تصدیق مدرسی فقه و اصول دریافت داشتند. نمایندگی مرحوم آیت‌الله بروجردی در برخی از کنفرانس‌های خارج از کشور و یا نمایندگی آیت‌الله کاشانی در کنفرانس کراچی، نمونه‌هایی از اعتماد زعمای روحانی به ایشان بود.^۱

آیت‌الله طالقانی از مفسران عالی‌قدر قرآن بود. از ویژگی‌های تفسیر ایشان، بحث‌های تطبیقی با عهدین است. آیت‌الله طالقانی در مواردی و بیشتر در موضوع داستان‌های پیامبران به عهدین استشهاد و یا از آن انتقاد می‌کند.

به لحاظ نزدیکی آیت‌الله طالقانی با علما و روحانیان بارز ایران اسلامی این موضوع کفایت می‌کند که وی در عصر زعامت آیت‌الله حائری از نزدیکان بیت ایشان و در زمان مرجعیت آیت‌الله بروجردی از نمایندگان خاص ایشان و در دوران نهضت امام خمینی (س) تا پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از آن، از یاران صدیق حضرت امام و به کلام ایشان، ابوذر زمان بودند.

آیت‌الله طالقانی در طول مبارزات سیاسی خود، با سه گروه مستبدان داخلی، استعمارگران خارجی و روحانیون درباری مبارزه می‌کرد و در این میان گروه آخر اهمیت خاصی داشت. همانگونه که امام خمینی در پیامی خطاب به روحانیان خطر

۱. سید محمد حسین میر ابوالقاسمی، طالقانی؛ فریادی در سکوت، تهران، شرکت سهامی انتشارات، ص ۱۱۹.



روحانیون وابسته به دربار و مقدس‌نما و تحجرگرایان را گوشزد کرده بود،^۱ آیت‌الله طالقانی نیز این خطر را احساس کرده و ضربه مشابهی از این قشر خورده بود. وی همواره بیان می‌کرد آن قدر که از دست علمای درباری و روحانیان حرفه‌ای در رنج و عذاب هستیم از محمدرضا و دار و دسته‌اش نیستیم، سهم امام را می‌گیریم اما کار اسلام را به مصلحت‌اندیشی می‌گذرانیم، پس اسلام ما را نگه داشته است نه ما اسلام را.^۲

در چنین فضایی بود که آیت‌الله طالقانی آگاهانه در صحنه سیاسی و مذهبی ایران حضور داشتند. یکی از موضوعاتی که ایشان همواره آن را دنبال می‌کرد و دغدغه ایشان شده بود وجود اشغالگران قدس و آوارگی مردم مظلوم فلسطین بود. فریاد ایشان همواره این بود: اگر انسانی جزء اسلام باشد، مظلوم هم باشد و فریاد هم بزند که مسلمانان به داد ما برسید، اگر اجابت نکنیم، مسلمان نخواهیم بود. فریاد فلسطینی‌ها بلند است و ما باید به داد آنها برسیم.^۳

اگرچه در رابطه با عملکرد و اقدامات آیت‌الله طالقانی کتب و مقالات بسیاری به رشته تحریر درآمده، اما موضوع فلسطین و اهمیتی که ایشان به این موضوع می‌دادند کمی مغفول واقع شده است؛^۴ به طوری که کمتر کسی از دغدغه‌های ایشان در این رابطه سخن رانده است. البته نباید فراموش کرد که در برخی کتب چاپ‌شده به موضوع فلسطین از دیدگاه ایشان اشاره شده است اما با توجه به اهمیتی که برای خود آیت‌الله داشت، فصلی مستقل برای آن باز نگردیده است و باز هم جای تأکید دارد که چنانچه از اقدامات ایشان سخنی به میان آمده، به صورت تاریخی و یا به عبارت دیگر تاریخ نقلی می‌باشد و به تاریخ تحلیلی توجهی نشده است. در این تحقیق، از یک سو به تاریخ نقلی و تاریخ تحلیلی و بنیان‌های فکری و اعتقادی آیت‌الله طالقانی در خصوص مسئله فلسطین پرداخته شده و از سوی دیگر از آنجا که وی از مفسران بزرگ قرآن مجید می‌باشد به تفاسیر ایشان درباره قوم یهود اشاره شده است؛ به عبارت دیگر نگاه ایشان به موضوع یهود و صهیونیسم نگاهی قرآنی و تاریخی - سیاسی می‌باشد.

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۷۸.

۲. سیدمحمدحسین میرابوالقاسمی، همان، ص ۱۳۰.

۳. اصغر طاهری بروجنی، همیشه به یاد او و به کار بستن نوشته‌های او، بی‌جا، ۱۳۵۸، ص ۳۶.

۴. مصداق این ادعا را می‌توان در همایشی که مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران در سال ۱۳۸۹ برگزار نمود (نیمه دوم سال) ملاحظه کرد. از ۲۴ محور مطرح‌شده هیچ‌یک مربوط به مسئله فلسطین و یا دیدگاه آیت‌الله طالقانی نسبت به سیاست خارجی نبوده است.



نگاه قرآن به یهودیت از منظر آیت الله طالقانی

روشی که ایشان در تفسیر قرآن استفاده نموده، آن است که وی ابتدا به ذکر چند آیه می‌پردازد و سپس ریشه‌یابی لغوی می‌نماید و با شرایط روز و سایر کتب معتبر به تفسیر آیه شریفه می‌پردازد. این رویه در مورد سوره بقره که بخش اعظمی از آن به قوم «بنی اسرائیل» اختصاص دارد نیز صادق است؛ به طور مثال هنگامی که ایشان به آیه شریفه «یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی الّتی انعمت علیکم و اوفوا بعهدی اوف بعهدکم و ایای فارهبون» (بقره/۴۰) می‌رسد ابتدا به ریشه‌یابی لغت «بنی اسرائیل» می‌پردازد. سپس به موضوع بنی اسرائیل و یهود اشاره می‌کند. او بیان می‌دارد که خطاب یهود به عنوان بنی اسرائیل برای یادآوری آن پدر عالیقدر برگزیده خدا (یعقوب بن اسحاق) و دیگر پدران بزرگوار ایشان است تا شاید با این یادآوری آن دوستی و وابستگی و توحید و راه و روش رازنده گردانند.^۱

ایشان از یک سو با توجه به نص صریح قرآن به بررسی «برتری بنی اسرائیل» می‌پردازد و از سوی دیگر با نگاهی به سایر آیات این برتری را مشروط می‌نماید. سپس به انتقاداتی که قرآن به قوم یهود وارد ساخته و همچنین رویه‌ای که آنها در پیش گرفتند می‌پردازد. صفات و تعابیری که ایشان برای یهودیت به کار می‌برد بسیار جالب توجه است که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

۱. ایشان در تفسیر آیه «یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی الّتی انعمت علیکم و انی فضلتمک علی العالمین» بیان داشتند که این آیه خطاب به بنی اسرائیل است و تذکر و توجه به نعماتی دارد که منشأ برتری بنی اسرائیل است. آیات بعد هم تفصیل و بیان نمونه‌های همین برتری و الطاف خداوند و گذشت در مقابل لغزش‌ها و کفران نعمت‌ها و سرپیچی‌های آنان است. خداوند بنی اسرائیل را به نعمت هدایتگری در دنیای گمراهی، توحید در دنیای شرک، نور ایمان در دنیای جهل و تاریکی، قوانین و شرایع در جهان بی‌بندوباری و توحش و پیوستگی در دنیای از هم گسیختگی برتری داد. این خلاصه بعثت و دعوی پیامبران است که بیشتر از میان بنی اسرائیل برخاستند. بنی اسرائیل این برتری را قدردانی نکردند. بنی اسرائیل از توحید به شرک و از ایمان به کفر گرویدند و به جای عمل صالح و اجرای شریعت به تشریفات غرور انگیز سرگرم شدند و آیین عمومی خدا را به صورت امتیازات قومی درآوردند و آن را با اوهام ملل مجاور و معاشر در هم آمیختند و به جای تقوا، به پروراندن آمال و امیدهای بی‌پایه پرداختند تا آنکه عقیده

۱. سید محمود طالقانی، پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۱۳۸.



عمومی آنها این شد که مردم دنیا هر چه باشند اهل جهنم و عذاب‌اند و ما هر چه باشیم اهل نجات و بهشتیم و پیامبران و بزرگانی که از میان ما برخاستند شافعان و مدافعان ما می‌باشند. این اوهام و عقاید بی پایه همان اوهام مصریان و دیگر ملل آن روز دنیا بود که به صورت دیگری در میان بنی‌اسرائیل ظاهر گشت.^۱ لذا آیت‌الله طالقانی اولین انحراف بنی‌اسرائیل و یهود را عدم توجه به نعمات می‌داند که این امر باعث انحراف یهود شد.

۲. دومین انحراف و صفت نامیمونی که این قوم دارند و آیت‌الله طالقانی از تفسیر قرآن کشف نمودند، عدم وفای به عهد است که در آیه ۳۱ سوره بقره از آن یاد شده است. ایشان در تفسیر این آیه بیان می‌دارند:

شرط و تعهد، وعد و وعید پس از هبوط، عهد مخصوص خداوند است که در تاریخ بنی‌اسرائیل تحقق یافت. اینها در دنیای هبوط و انحطاط و کفر عمومی تا آنجا که از هادیان پیروی کردند، راه ترقی و صعود را پیش گرفتند و امنیت یافتند... سپس آیین خدایی را وسیله شهوات و هواها قرار دادند و دسته‌دسته و متفرق شدند... [و] در میان خود دچار دشمنی و ترس گردیدند و قدرت‌های دینی را برای ناتوان کردن یکدیگر به کار بردند، آن‌گاه قهر ملل همسایه به سرشان تاخت و زبونشان ساخت.^۲

بنابراین از نظر آیت‌الله طالقانی عدم وفای به عهد منجر به حمله همسایگان و زبونی ایشان شد چرا که توحید و پیروی از پیامبران، عهدیست که خداوند در کتاب و بر حسب فطرت و تجربه‌های تاریخی و کرامتی که دارای آیین خدایی است از آنها گرفته و عزت، قدرت و آسایش، عهدیست که وفاکنندگان به عهود خدایی با خدا دارند.^۳

البته فارغ از این صفات نامیمون این قوم، صفت خوبی که آیت‌الله برای آنها ذکر می‌کند، صفت اتحاد و تعصبات قومی و مذهبی آنها می‌باشد. اگرچه این تعصبات برای سایر ادیان و اقوام ملل مایه عذاب و اذیت است، اما برای خود آنها مایه انسجام و پیشرفت می‌باشد.

۳. سومین انحرافی که یهودیان (علمای یهود) داشتند آن بود که آیین خدایی را وسیله شهوات و هوای نفس خود قرار دادند و آیات خدا را به کمترین بها فروختند؛ به عبارت دیگر آنان آیات را از جهت لفظ و معنا تحریف کردند.^۴ آیت‌الله طالقانی بیان داشتند آیاتی که مورد معامله قرار می‌گیرد، شریعت، کتاب، معابد و شعائر و لباس دین است که باید

۱. همان، ص ۱۴۸.

۲. همان، ص ۱۴۹.

۳. همان، ص ۱۳۹.

۴. همان، ص ۲۰۳.



خلق را به یاد خالق آورد و همه را در رشته‌های خدایی با هم مربوط گرداند و نفوس را تربیت کند. این آیات است که چون در تصرف مردم دنیا پرست قرار گرفت در برابر مال و هوا فروخته می‌شود. ارزش این آیات را قدر ارزش نفوس آدمی است که از همه چیز ارزنده‌تر است و به دست چنین مردمی چون کالایی بی‌ارزش در رهگذر بازار دنیا پرستان گذارده می‌شود. چون آیین و آیات خداوند وسیله زندگی و به صورت کالا درآمد، اثرش جهل و پراکندگی و ستم می‌گردد و خاصیت اصلی خود را از دست می‌دهد و برای مردم موجب نفرت و رمیدگی می‌شود. در این معامله و در برابر هواها، هم دین و آیین پیامبران دگرگون می‌شود و مردم از آن برمی‌گردند، هم استعداد‌های بشری زیان می‌بینند و هم ادراکات و معلومات فطری از میان می‌رود؛ باید هوشیار باشند که در برابر از دست دادن این سرمایه‌های معنوی هر چه به دست آورند، اندک و ناچیز است. آن مردمی که گوهر آیات را در معرض معامله قرار می‌دهند مردم ناتوان و خودباخته در مقابل قدرتمندان و دنیاداران هستند. هر چه هراس از مردم دنیا را بیشتر به دل راه دهند از خدا و مؤاخذه او بیشتر غافل می‌گردند و هر چه اندیشه از مؤاخذه بیشتر باشد ترس و خودباختگی در برابر مظاهر شهوات و قدرت دنیا کمتر می‌شود.^۱

۴. از دیگر انحرافات یهود، مربوط است به سوءاستفاده علمای یهود از عواطف دینی مردم. آیت‌الله طالقانی بیان داشتند که «تامرون الناس بالبر و تنسون انفسکم و انتم تتلون الکتب افلا تعقلون» خطاب به همه بنی‌اسرائیل و سرکوفت بر علمای آنهاست که مردم را به نیکی و خیر امر می‌کنند و خود را فراموش می‌نمایند.

۵. دو صفت از صفات ناشایستی که بر قوم یهود وارد است، صفت بت پرستی و فراموشکاری آنهاست. آیت‌الله طالقانی پس از بیان داستان عبور از دریا و غرق شدن فرعونیان در دریا و سکنا گزیدن یهودیان در بیابان، بیان داشتند:

موسی (ع) به دستور الهامی پروردگار، برای فراگرفتن دستور و قانون، خود را آماده و از میان هیاهو و بهانه‌جویی‌ها و تقاضاهای گوناگون بنی‌اسرائیل برای چندی به بالای کوه در غار می‌رود. بعد از رفتن موسی به کوه، محیط شرک و گاوپرستی مصر اثر ریشه‌داری در نفوس یهود باقی گذارد، چنان که تنها قدرت معنوی موسی بود که آنها را به سوی عزت توحید می‌کشاند. همین که قدرت قاهر موسی از بالای سر آنها چند روزی دور شد و آن آیات فراموش گردید، کشش ارتجاعی اوهام مصر به سراغشان آمد و گوساله را به

۱. همان، ص ۱۴۱.

از عباراتی که آیت‌الله طالقانی در
رابطه با قوم یهود به کار می‌برد
«کپسول‌های دسیسه و خودخواهی
و نفع‌پرستی» است

خدایی گرفتند و در... شرک و تاریکی آن
فرو رفتند.^۱
ایشان به سبب کفر اختیاری، قلوبشان
از حقایق تهی گشت و گوساله جای آن را
گرفت.^۲

۶. از دیگر صفاتی که آیت‌الله طالقانی در تفسیر قرآن نسبت به بنی اسرائیل روا می‌دارد آن است که آنها به انحطاط عقلی و جمود فکری مبتلا شده بودند. استدلال ایشان آن است که قوم بنی اسرائیل با بهانه‌جویی‌های مکرر خود و درخواست‌های عجیب و غریب و همچنین فراموشکاری، همواره در خواست معجزات پی در پی از حضرت موسی داشتند. معجزات و خوارق برای رام کردن مردمی است که از عقل و اندیشه درست بهره‌وافی ندارند و برهان و دلیل در نفوس جامد آنان راه ندارد. پیروی کردن و ایمان آوردنی که از راه دیدن معجزات و محکومیت حواس باشد نه ارزش واقعی دارد و نه پایدار است. ارزش آن همین قدر است که مانع نفوس ناقابل را از سر راه بردارد تا اصول عقلی به نفوس مستعد رسد. معجزات پی در پی موسی دلیل بر انحطاط عقلی و جمود فکری یهود بود که جز از این راه رام نمی‌شدند.^۳

۷. از عباراتی که آیت‌الله طالقانی در رابطه با قوم یهود به کار می‌برد «کپسول‌های دسیسه و خودخواهی و نفع‌پرستی» است. در این خصوص ایشان به بیان گروه‌بندی بنی اسرائیل پس از سلیمان (۹۷۴ ق.م) می‌پردازد و سپس بیان می‌دارد که به محض اینکه معتقدات دینی و قوای اجتماعی آنان ضعیف گردید از هر سو مورد هجوم ملل دیگر واقع شدند و به بندگی بیگانگان درآمدند. چنان که در برابر قدرت نینوا پادشاه اسرائیل به ناچار از فرعون درخواست کمک نمودند. در نتیجه آن، سارگن دوم با سپاهش به فلسطین هجوم آورد و بیت المقدس را ویران ساخت (۸۲۲ ق.م) و ده سبط بنی اسرائیل را با خود به اسارت برد. بخت‌النصر بر اورشلیم یورش برد (۵۶۸ ق.م) و آنجا را خراب کرد و گروه بسیاری را کشت و ۷۰ هزار نفر یهودی را به بابل برد تا کوروش پادشاه ایران پس از ۷۰ سال آنها را آزاد ساخت و این کپسول‌های دسیسه و خودخواهی و نفع‌پرستی را در ایران و بعضی از کشورهای مجاور متفرق نمود.^۴

۱. همان، ص ۱۵۶.
۲. همان، ص ۲۳۴.
۳. همان، ص ۱۵۶.
۴. همان، ص ۲۱۸.





۸. از دیگر صفاتی که آیت‌الله طالقانی بر قوم یهود بر اساس تفسیر قرآن وارد می‌داند، غرور است. ایشان بیان می‌داشتند که یهود چنان در تنگنای غرور و کوته‌بینی و حسد گرفتارند که چون به آنان گفته شود به آنچه نازل شده ایمان آورید و ظروف، مکان‌ها و اشخاص را میزان حق قرار ندهید، از روی همین کوته‌بینی گویند به حقی ایمان می‌آوریم که در رنگ اندیشه‌ها و قبیله و قوم ما باشد. لذا از نظر آیت‌الله طالقانی، منشأ کفر یهود، غرور و عصبیت و پیش از آن هواهای نفس آنهاست که در آیه ۸۷ سوره بقره به آن اشاره شده است؛ و گرنه موسی با آن آیات روشن آنها را از قهر و ذلت فرعونیان رهانده، پس چرا همین که او را در میان خود ندیدند دنباله‌رو گوساله شدند؟^۱

یهود و پذیرش دین اسلام

آیت‌الله طالقانی پس از بیان صفات و ویژگی‌های بنی‌اسرائیل و قوم یهود، به رابطه قوم یهود و پذیرش دین خاتم از جانب آنها می‌پردازد. ایشان بیان داشتند که در محیط ظهور رسالت پیامبر اکرم (ص) انتظار می‌رفت که یهودیان با آن سوابق و پیش‌بینی‌ها از نخستین مؤمنان باشند.^۲ این چشمداشت و طمع مسلمانان به ایمان یهود که شاید به دعوت مسلمانان گرایند، بجا بود زیرا در جزیره‌العرب به خصوص در اطراف یترب مردمی که از کتاب‌های آسمانی پیامبران آگاهی داشتند تنها یهودیان بودند. طوایف یهود در میان مشرکان محصور بودند و با ترس و بیم به انتظار فرج به‌سر می‌بردند و گاهی ظهور پیامبر نجات‌دهنده را پیش‌بینی می‌کردند تا آن که پیامبر خدا از میان همین اعراب برخاست و پیامبران بزرگوار بنی‌اسرائیل و قبیله و کتاب آنها را تصدیق و تثبیت نمود. مسلمانان امید داشتند که اینها به زودی به اسلام بگردند و به مخالفت برنخیزند ولی یهودیان نه گرویدند و نه آنچه از اسرار و اخبار گذشتگان را که در دل‌های خود پنهان می‌داشتند - که دعوت به توحید و هدایت به راه پیامبران گذشته را تأیید می‌کرد - آشکار کردند.^۳ آنان خدا و علم او را محدود می‌دانستند و او را عالم محیط به باطن مظاهر همه موجودات نمی‌شناختند و گمان می‌کردند فقط به آنچه گفته و اظهار شود خداوند آگاه می‌گردد. این مغروران که به خیال خود درهای اسرار دین را تنها به روی خود گشوده می‌دیدند، اظهار این اسرار به مسلمانان را از بی‌خردی و عدم

۱. همان، ص ۲۳۰.

۲. همان، ص ۱۴۰.

۳. همان، ص ۲۰۳.

آیت الله طالقانی چه قبل از انقلاب اسلامی و چه بعد از آن، همواره و به هر شکلی فریاد آزادی خواهی و حق طلبی فلسطینی ها را به گوش مردم ایران رساند. در هر مصاحبه، اعلامیه و خطبه نماز جمعه‌ای از فلسطین گفت و از آن حمایت کرد

دوراندیشی می‌پنداشتند.^۱
آیت الله طالقانی دشمنی یهودیان با مسلمانان را در خصومت با جبریل (فرشته وحی) می‌دیدند و می‌گویند چون بعضی از رهبران یهود از پیامبر اکرم شنیدند که جبریل قرآن را نازل می‌کند بهانه دیگری یافتند و گفتند اگر جز جبریل، کس دیگری قرآن را نازل می‌کرد ما می‌پذیرفتیم. چون ما و جبریل با هم

سابقه دشمنی داریم نمی‌پذیریم. آنها می‌گفتند خرابی بیت المقدس و آوارگی یهود و چیرگی دشمنان بر ما همه به وسیله جبریل بوده است. گویا پیامبران بزرگ، یهود را از ویرانی‌ها و آوارگی‌ها که نتیجه سوء اعمال و اخلاقتان بود پیش از وقوع بیم می‌دادند و آن را از جانب فرشته وحی که نامش جبریل به زبان عبرانی بود، می‌خواندند؛ از این رو نام جبریل در ذهن آنها با خاطرات گذشته و مصایب همراه بود و همین را بهانه نپذیرفتن دعوت اسلام می‌آوردند.^۲

اقدامات تاریخی و سیاسی آیت الله طالقانی در خصوص موضوع فلسطین

دیدگاه‌های آیت الله طالقانی در خصوص مسئله فلسطین به دو دوره پیش و پس از انقلاب تقسیم می‌شود. این تقسیم‌بندی را بدان دلیل بیان نموده‌ایم که بنابر شرایط زمانی حمایت ایشان از مردم مظلوم فلسطین شکل خاصی به خود گرفته بود. اما در ماهیت موضوع که ایشان صهیونیسم را عامل فساد و تفرقه در جهان اسلام می‌دانستند، در دو دوره تفاوتی وجود نداشت. ایشان چه قبل از انقلاب اسلامی و چه بعد از آن، همواره و به هر شکلی فریاد آزادی خواهی و حق طلبی فلسطینی ها را به گوش مردم ایران رساند. در هر مصاحبه، اعلامیه و خطبه نماز جمعه‌ای از فلسطین گفت و از آن حمایت کرد.^۳

اقدامات ضد صهیونیستی آیت الله طالقانی در دوران پیش از انقلاب

اقدامات و فعالیت‌های آیت الله طالقانی را در یک تقسیم‌بندی ساده می‌توان به شکل زیر بیان داشت:

۱. همان، ص ۲۰۶.

۲. همان، ص ۲۳۷.

۳. جزوه طالقانی و فلسطین، بی تا، بی جا، ص ۱۰. (این تأکید در حدی بود که خاخام پدیدیا شوفط، رهبر وقت یهودیان ایران بنابر گفته خودش در یک دیدار حضوری از ایشان می‌خواهد که به هنگام حمله به صهیونیسم و اسراییل از واژه یهود یا یهودیان استفاده نکند چرا که باعث مشکلاتی برای یهودیان ایرانی می‌شود.)





آیت‌الله طالقانی با داشتن اندیشه جهان‌شمول اسلام در مبارزه با استعمار و استبداد تنها به درون مرزهای ایران نمی‌اندیشید و به فکر ستم‌دیدگان جهان اسلام نیز بود. از سال ۱۹۴۸م/۱۳۲۷ه‌ش که سرزمین یهودی‌نشین در فلسطین ایجاد شد لحظه‌ای از مبارزه علیه اشغالگران آرام نگرفت

- رساندن فریاد مظلومیت فلسطین به مردم ایران و جهان؛
 - رسوایی دولت و شاه در همکاری با رژیم صهیونیستی و بی‌توجهی به مردم فلسطین؛
 - ملاقات با سران مبارز فلسطین و شرکت در کنفرانس‌های ضدصهیونیستی؛
 - جمع‌آوری کمک‌های مالی برای مردم فلسطین.

۱. رساندن فریاد مظلومیت فلسطین به مردم ایران و جهان

هنگامی که فلسطین به اشغال صهیونیست‌ها درآمد (سال ۱۳۲۷ شمسی)، آیت‌الله طالقانی حدود سی و هفت سال سن داشتند. با وسعت دیدی که ایشان داشتند، به عمق فاجعه آگاه بودند. این زمان با فعالیت ضدصهیونیستی آیت‌الله کاشانی و شهید نواب صفوی تقارن پیدا می‌کند. چنان‌که در سال ۱۳۳۳ شمسی که نواب به کنفرانس اسلامی بیت‌المقدس دعوت می‌شود، پس از بازدید از عراق و بسیج مردم علیه رژیم اشغالگر قدس، هنگام بازگشت به ایران فقط آیت‌الله طالقانی در فرودگاه مهرآباد از نواب استقبال می‌نمایند.^۱ ایشان قبل از آن نیز در سال ۱۳۲۷ هنگام جنگ اول اعراب و صهیونیست‌ها به همراه آیت‌الله کاشانی و انجمن اسلامی دانشجویان و فداییان اسلام اولین گردهمایی علیه اسراییل و حمایت از اعراب را برپا کردند.^۲

آیت‌الله طالقانی با داشتن اندیشه جهان‌شمول اسلام در مبارزه با استعمار و استبداد تنها به درون مرزهای ایران نمی‌اندیشید و به فکر ستم‌دیدگان جهان اسلام نیز بود. از سال ۱۹۴۸م/۱۳۲۷ه‌ش که سرزمین یهودی‌نشین در فلسطین ایجاد شد لحظه‌ای از مبارزه علیه اشغالگران آرام نگرفت. برای شناساندن ماهیت صهیونیست‌ها به مردم ایران، شناساندن حقوق غصب‌شده مردم فلسطین و نشان دادن علت این گرفتاری‌ها و عقب‌ماندگی‌ها که همان تفرقه در میان امت اسلام است، به نوشتن و گفتن و اعلامیه دادن و تبلیغ و مسافرت برای شرکت در کنفرانس‌ها برای دفاع از حق ملت فلسطین^۳ اقدام می‌کرد به طوری که وی در مبارزه علیه صهیونیسم هرگز نیاسود.^۴

۱. سیدمحمدحسین میرابوالقاسمی، همان، ص ۲۶۹.

۲. غلامرضا نجاتی، جنبش ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سه گزارش پیرامون ملی شدن صنعت نفت، تهران، ۱۳۷۸، ص ۸۹.

۳. علی محمدی، آیت‌الله طالقانی ابوذر زمان، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۵۶.

۴. سیدمحمد مهدی جعفری، آیت‌الله طالقانی و تفسیر پرتوی از قرآن، تهران، خانه کتاب، ۱۳۸۹، ص ۱۲.

هرگونه اقدام آیت‌الله طالقانی به خصوص در زمانی که نواب صفوی شهید شده بود و آیت‌الله کاشانی بدرود حیات گفته بود، با فشار بسیاری از سوی رژیم مواجه می‌شد؛ با وجود این از زندان و تهدید و برچسب خوردن نمی‌ترسیدند و همواره اقدام به جمع‌آوری پول برای مردم فلسطین و شرکت در کنفرانس‌های بین‌المللی و سخنرانی‌های ضد صهیونیستی می‌کردند

در فضای خفقان آن دوره که روحانیان بسیار منفعَل در امور سیاسی و اجتماعی دخالت نمی‌کردند، هرگونه اقدام آیت‌الله طالقانی به خصوص در زمانی که نواب صفوی شهید شده بود و آیت‌الله کاشانی بدرود حیات گفته بود، با فشار بسیاری از سوی رژیم مواجه می‌شد؛ با وجود این از زندان و تهدید و برچسب خوردن نمی‌ترسیدند و همواره اقدام به جمع‌آوری پول برای مردم فلسطین و شرکت در کنفرانس‌های بین‌المللی و سخنرانی‌های ضد صهیونیستی می‌کردند.

آیت‌الله طالقانی که وجود صهیونیست‌ها را در فلسطین خنجری از پشت بر پیکر جهان اسلام می‌دانست، از سال ۱۹۴۸ م/ ۱۳۲۷ ش هم‌زمان با

اشغال فلسطین توسط صهیونیست‌ها به مبارزه علیه آنان و شناساندن آن دارودسته فاشیست اشغالگر و تجاوزکار و نیز به معرفی حقوق طبیعی و تاریخی مردم فلسطین به مردم ایران دست زد و تا پایان زندگی پر برکت خود به عنوان مدافع حقوق مردم فلسطین و مخالف حکومت اسرائیل به روشنگری و افشاگری ادامه داد و از این مبارزه و تلاش دست برنداشت.^۱

روزنامه اطلاعات در سال ۱۳۷۰ به نقل از یکی از روحانیان بیان می‌دارد:

در جنگ ژوئن سال ۱۹۶۷، ارتش اسرائیل صحرای سینا و کرانه غربی رود اردن و بخشی از نوار غزه را تصرف کرد و ارتش مصر، شکست عظیمی را متحمل شد. ابتدا که این جنگ آغاز شد، رادیو صوت‌العرب و رادیو الشرق الاوسط از قاهره پخش می‌شدند، اخبار جنگ را ساعت به ساعت منتشر می‌کردند. من یادم می‌آید در اولین ساعات ژوئن، آقای طالقانی در یکی از اتاقک‌های زندان از رادیو جدا نمی‌شد. ایشان را چند بار دیدم که وقتی مارش نظامی هیجان‌انگیز از رادیو پخش می‌شد، گریه می‌کرد و برای سربازان مسلمان دعا می‌کرد که در جنگ با اسرائیل پیروز شوند.^۲

مسجد هدایت یکی از مهمترین پایگاه‌های آیت‌الله طالقانی بود؛ به عبارت دیگر مبارزات

۱. ابوذر زمان؛ یاران امام به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۰.
۲. تقی ابراهیمی، اطلاعات، ۱۹/۶/۱۳۷۰.





علنی ایشان از طریق مسجد هدایت دنبال می‌شد.^۱ این مرکز فرهنگی - سیاسی چنان با اقبال عمومی روبه‌رو شد که در زمان وفات جمال عبدالناصر، مراسم بزرگداشت وی در سال ۱۳۴۹ بدون فراخوان رسمی از جانب ایشان، در مسجد هدایت برگزار گردید و با استقبال فراوان مردم مواجه شد و در آن مراسم سخنان روشنگرانه‌ای را در مورد جهان عرب و اوضاع فلسطین و حادثه سپتامبر سیاه و واقعه درگیری فلسطینیان به اطلاع مردم رسانید.^۲

ایشان بیان می‌داشتند:

از نزدیک (بعد از شرکت در کنفرانس اسلامی ۱۳۳۳ در بیت المقدس)، افسردگی، ظلم، حق خوردگی مردم فلسطین را می‌دیدیم. چگونه اینها مورد رعایت و مورد اتفاق سازمان ملل و همان کشورهای واقع شده‌اند که اینها را آواره کردند؟ اول از سرزمین‌هایشان راندند و بعد به صورت یک مشت فقیر و بیچاره به اینها کمک می‌کردند. چه بسا در مسیر بین بیت المقدس و خلیل الرحمن می‌دیدم که عده‌ای از این آوارگان در یک سوی سیم‌های خاردار بودند و در سوی دیگر عده‌ای قوم و خویشان بودند، به طوری که از دور با دست با هم اشاره کنند؛ زیر نفوذ و قدرت پاسداران صهیونیسم، این وضع را دیدم.^۳

همواره فریاد ایشان آن بود که حمایت از مظلومان فلسطین، فقط وظیفه مسلمانان نیست بلکه وظیفه‌ای است که بر دوش کلیه پیروان ادیان مختلف اعم از مسیحیت و یهودیت است. در نتیجه از پیروان مذهب یهود صمیمانه درخواست می‌نمود که صهیونیسم را محکوم کنند.^۴

ایشان بیان داشتند مسئله بیت المقدس مسئله‌ای نیست که تنها مربوط به مسلمین و یا مسیحیان باشد. مسئله بیت المقدس مسئله انسان آزاد دنیاست. مسئله همه ادیان الهی است. همه مردم دنیا برای نجات بیت المقدس و حامیان و نگهبانان آن - که فلسطینی‌ها باشند - باید قیام کنند. همه با یک صدا، یک فریاد و یک مشت باید این مرکز توحید را که تبدیل به مرکز شرک شده است پاک کنند... این صهیونیست‌ها...

۱. سلیمان حیدری، آیت‌الله سید محمود طالقانی به روایت اسناد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۵۸.

۲. سید محمد مهدی جعفری، همان، ص ۱۲.

۳. اندیشه‌های حضرت آیت‌الله طالقانی (متن سخنرانی آیت‌الله طالقانی در دانشگاه راجع به فلسطین)، جمال، ۱۳۵۹، ص ۱۵۸.

۴. جزوه طالقانی و فلسطین، همان، ص ۱۷.

همواره فریاد آیت الله طالقانی آن بود که حمایت از مظلومان فلسطین، فقط وظیفه مسلمانان نیست بلکه وظیفه‌ای است که بر دوش کلیه پیروان ادیان مختلف اعم از مسیحیت و یهودیت است. در نتیجه از پیروان مذهب یهود صمیمانه درخواست می‌نمود که صهیونیسم را محکوم کنند

خودشان را وارث انبیای می‌دانند؛ ابراهیم خلیل بت‌شکن و منادی توحید بنی‌اسرائیل که برای نجات بشر قیام کرده‌اند، اینها چهره آنان را هم خراب می‌کنند. آیت‌الله طالقانی همواره تأکید داشتند که این صهیونیست‌ها هستند که چهره انبیا را خراب کردند. اینها هستند که توحید خالص را تبدیل به شرک و خودپرستی کردند. بیت‌المقدس از آن همه ادیان الهی است؛ اسلام، مسیحیت و یهودیت. این مرکز باید از لوٹ صهیونیسم پاک شود و این وظیفه فرد فرد مسلمین است.^۱

در آن دوره زمانی که به قول آیت‌الله طالقانی، دولت‌های اسلامی تظاهر به حمایت از مردم فلسطین می‌نمودند و دولت ایران نیز اسرائیل را مورد شناسایی قرار داده بود، ایشان بر این باور بودند که مظلومیت فلسطینیان است که روزی تبدیل به غض می‌گردد و خانه و کاشانه صهیونیست‌ها را ویران می‌کند. با اینکه این مظلومیت خاموش است اما صدایش را همه خواهند شنید. ایشان بیان می‌داشتند:

بران‌ترین سلاح ما مسلمانان در حال حاضر مظلومیت ماست... تا به حال هر چه موفق بودیم با سلاح مظلومیت بوده است. او (اسرائیل) تیر می‌زد و ما می‌گفتیم الله اکبر، او تیر می‌انداخت و ما می‌گفتیم لا اله الا الله. آن دختری که زیر شکنجه جان داد و لب باز نکرد، بالاخره صدایش به همه رسید.^۲

۲. رسوایی دولت و شاه در همکاری با رژیم صهیونیستی و بی‌توجهی به مردم فلسطین
آیت‌الله طالقانی در هر فرصتی اعم از سخنرانی‌ها در اماکن و مساجد یا در کنفرانس‌های بین‌المللی، همواره بیان می‌داشتند که ملت ایران با رژیم صهیونیستی مخالف است و با آن مبارزه می‌کند. از نظر ایشان دولت‌های ایران دست‌نشانده هستند و توان و یاری مخالفت با استعمارگران و صهیونیست‌ها را ندارند. لذا وی در فرصت به‌دست آمده به جهان اسلام اعلام می‌داشت که ملت ایران با صهیونیسم مخالف است و حساب ملت‌ها از دولت‌های وابسته و دست‌نشانده جدا است.^۳ هنگامی که آیت‌الله طالقانی برای شرکت در کنفرانس اسلامی به بیت‌المقدس رفته بودند بیان داشتند:

۱. اندیشه‌های حضرت آیت‌الله طالقانی، همان، ص ۳۳.

۲. سید محمود طالقانی، تبیین رسالت برای قیام به قسط، بنیاد فرهنگی آیت‌الله طالقانی، ص ۷۴.

۳. سید محمد مهدی جعفری، همان، ص ۱۲؛ همچنین رک: مالک اشتر دوران: آیت‌الله طالقانی، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۲، ج ۳.





آیت الله طالقانی بر این باور بودند که مظلومیت فلسطینیان است که روزی تبدیل به بغض می گردد و خانه و کاشانه صهیونیست ها را ویران می کند

این شد مملکت اسلامی؟! ما در مؤتمر اسلامی سرمان به زیر بود. نمی توانستیم سر بلند بکنیم، وقتی که صورت روابط را به ما نشان دادند. آقای وزیر کشاورزی مگر مستشار مسلمان در این مملکت نیست؟ مهندس نداریم؟ اگر نداریم از سوییس بیار! نداریم از هند بیار! نداریم از آلمان بیار! حتماً

باید مستشار املاک فرد یهودی صهیونیست باشد.^۱

البته تاریخ و اسناد تاریخی ادعای آیت الله طالقانی را به اثبات رسانید. ادعا و ایراد دیگر ایشان به روابط پنهانی مسئولان نظام با اسرائیل بود. ایشان بیان می داشتند:

روابط هیئت حاکمه ایران با اسرائیل، روابط عاشقانه است. جزء چند کشوری که حکومت های آن برای نگهداری هوس های ظالمانه و تحمیلی خود در پیمان ها و بندوبست های استعماری وارد شدند ولی از همه خوش رقص تر در این بازی نوین استعماری هیئت حاکمه ایران است. گرچه از ترس شورش عمومی مسلمانان و علمای غیور و فعال، مردم این پایگاه استعماری و جاسوس را به رسمیت نشناخته اند ولی روابط آن چنان که روزنامه های اسرائیل نیز اعتراف دارند، بیش از یک رابطه معمولی است، بلکه با کمال تأسف رابطه هیئت حاکمه ایران با اسرائیل روابط عاشقانه است و ایران اکنون چنان که پایگاه دول استعماری متجاوز آمریکا، انگلیس و فرانسه است، پایگاه جاسوسی اسرائیل گشته است. مهم ترین رشته های اقتصادی و سیاسی مملکت به وسیله شرکت ها و عمال اسرائیل در پست وزارتخانه ها، نظامیان و سازمان های انتظامی به نام مذهب (بهاییون) شکل و اداره می شود. اینها رشته خون اقتصادی مملکت ما را به وسیله بورس های زمینی و شرکت های قلابی و نمایندگی ها از طرف جهودهای امریکایی می میکند.^۲

ایشان در سخنرانی خود تحت عنوان «جهاد و شهادت» با مردم خطاب به دولت بیان داشتند:

کی ها هستند در این مملکت با دشمنان مسلمین دارند همدستی می کنند؟ این قانون اسلام، این فقه اسلامی است، از خودتان اعتراف می خواهیم،

۱. اندیشه های حضرت آیت الله طالقانی، همان، ص ۳۳.

۲. بهرام افراسیابی و سعید دهقان، طالقانی و تاریخ، تهران، نیلوفر، ۱۳۶۰، ص ۲۰۴.

هنگامی که آیت‌الله طالقانی برای شرکت در کنفرانس اسلامی به بیت‌المقدس رفته بودند بیان داشتند: آقای وزیر کشاورزی مگر مستشار مسلمان در این مملکت نیست؟ مهندس نداریم؟ اگر نداریم از سویس بیار! نداریم از هند بیار! نداریم از آلمان بیار! حتماً باید مستشار املاک فرد یهودی صهیونیست باشد

کی‌ها اموال مسلمان‌ها را می‌دزدند و به صهیونیست‌ها و اسراییلی‌های بین‌المللی کمک می‌نمایند؟ کی‌ها زن‌های مسلمان‌ها را از حدود عفت خارج می‌کنند؟ اینها ذمی‌اند یا محاربانند؟ حکمش را باید فقیه بدهد. اگر با این حدودی که علمای اسلام و علمای شیعه بیان کردند، اگر دولت و حکومتی هم با اینها بندوبست داشت تکلیف مردم مسلمان با این دولت چیست؟ به حکم فقه اسلامی از یک طرف

مسلمان‌ها را آواره نکنند میان بیابان‌ها و به حدود اسلام تجاوز نکنند و از یک طرف ثروت‌های مسلمان‌ها را به عناوین مختلف نه کارهای اساسی و تولیدی بردند و می‌برند، ترویج فحشا نکنند، اگر دولتی آمد بدون اسم، برای اینها سفار تخانه باز کرد، رؤسا و وزرای کشور اسلامی هم در آنجا رفتند و عیش و نوش کردند، مردم تکلیفشان با چنین حکومتی چیست؟... امروز صهیونیسم پوست دوم استعمار است، استعمار به صورت اولی خود شکست خورده است و به پوست صهیونیسم درآمده است. صهیونیسم به پوست اسراییل باز یک قیافه دیگری در کشور ما گرفته و به صورت بهائیت درآمده و در تمام وزارتخانه‌ها و ارکان این دولت شیعه اسلامی نفوذ کرده است.^۱

بنابر این آیت‌الله طالقانی همواره دولت وقت ایران را برای موارد یادشده و تحت سلطه درآمدن توسط صهیونیست‌ها ملامت و سرزنش می‌کردند؛ به طوری که به گفته خود وی، در تشکیل پرونده و محاکمه و زندانی نمودن ایشان از سال ۱۳۴۱ به بعد دست موساد که از سال ۱۳۳۹ با ساواک ایران همکاری می‌کرد، آشکارا دیده می‌شد.

آیت‌الله طالقانی به دولت انتقادات مذکور را گوشزد می‌کرد و دولت نیز سعی داشت تا خود را تبرئه نماید. وی انتقاد دیگری را نیز به دولت وقت وارد می‌دانست و آن عدم اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی مردم در خصوص اقدامات وحشیانه رژیم اشغالگر فلسطین بود. نمونه‌ای از انتقادات وی در رابطه با عدم اطلاع‌رسانی دولت آن بود که ایشان بعد از شرکت در کنفرانس‌های اسلامی از دولت توضیح می‌خواست که چرا خبر چنین مجمعی

۱. اندیشه‌های آیت‌الله طالقانی، همان، ص ۳۱.





را به گوش مسلمانان ایران نمی‌رساند تا با سرنوشت مردم فلسطین آشنایی بیابند.^۱ هر کس به هر جایی مسافرت می‌کند، می‌رود و می‌آید... یک کلمه ننوشتند این مؤتمر اسلامی قدس چه گفتند و کی‌ها بودند و چه گفت و گوها کردند. این دست کیست؟ جز عمال اسراییل؟^۲

۳. ملاقات با سران مبارز فلسطین و شرکت در کنفرانس‌های ضدصهیونیستی
 حضور در کنفرانس‌های بین‌المللی از اقدامات مهم آیت‌الله طالقانی در جهت شناساندن و همراهی ایران با جهان اسلام به منظور مبارزه با رژیم اشغالگر قدس بود. ایشان با توجه به شناختی که از صهیونیست‌ها و روحیه تجاوزگری آنها داشتند، به اقدام دسته‌جمعی و همبستگی جهان اسلام قائل بودند و بر این باور بودند که همان‌گونه که آقای مطهری بیان می‌داشتند که اسراییل خطر بزرگ است،^۳ با این خطر بزرگ راهی به غیر از وحدت جهان اسلام و اقدام دسته‌جمعی علیه این رژیم وجود ندارد. ایشان با این دیدگاه به کنفرانس‌های ضدصهیونیستی و به ملاقات با رهبران مسلمان جهان می‌رفتند. اولین کنفرانسی که ایشان شرکت نمودند در سال ۱۳۲۸ بود. ایشان در رابطه با این کنفرانس بیان می‌دارند: در سال ۱۳۲۸ اولین سفر به کنفرانس فلسطینی رفتم از نزدیک به آوارگان اندیشیدم از کشورهای اسلامی و عربی به کنفرانس آمده بودند ولی بعضی فقط حماسه می‌خواندند و تظاهر به طرفداری از این مظلومین و مسجد غصب‌شده داشتند.^۴

اما با وجود این ایشان همواره به نزدیکی مسلمانان جهان و القای این موضوع که مسئله فلسطین، مسئله جهان اسلام است اشاره داشت و معتقد بود که می‌بایست برای حل این مشکل با یکدیگر همکاری کرد.

حضور دیگر ایشان در کنفرانس سال ۱۳۳۱ به نمایندگی از آیت‌الله کاشانی بود. این کنفرانس شعوب‌المسلمین نام داشت و در کراچی برپا شد. آیت‌الله کمره‌ای، سید رضا زنجانی و آیت‌الله صدر بلاغی نیز از طرف علمای اعلام مأمور به شرکت در کنگره مذکور شدند.

دومین کنفرانس بین‌المللی که علیه رژیم صهیونیستی شرکت داشتند در ۲۷ رجب ۱۳۷۹ (۱۳۳۸ هجری شمسی) در مؤتمر اسلامی قدس در شهر بیت‌المقدس تشکیل

۱. جزوه طالقانی و فلسطین، همان، ص ۱۱.

۲. همان، ص ۱۳.

۳. کاظم حسینی، آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله مطهری و تبیین جهان، نوید، ۱۳۵۹.

۴. سید محمود طالقانی، از آزادی تا شهادت، تهران، ابوذر، ۱۳۵۸، ص ۱۷۰.

گردید؛ در این کنفرانس نیز آیت‌الله طالقانی به همراه آیت‌الله کمره‌ای شرکت جستند. کنفرانس بین‌المللی دیگری که ایشان در آن حضور داشتند در ۲۷ رجب ۱۳۸۱ (دی ۱۳۴۰ شمسی) برپا شد. در این اجلاس که به ریاست آیت‌الله طالقانی تشکیل شد، آقایان شیخ یحیی نوری و مهاجرانی حضور داشتند.^۱

ایشان در این کنفرانس‌ها ضمن مذاکره با رهبران مسلمان کشورهای اسلامی با مسائل و مشکلات مردم فلسطین نیز آشنایی می‌یافتند. ایشان در مصاحبه‌ای که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در این مورد داشتند بیان نمودند:

مردم ایران درباره مسئله فلسطین هرگز بی تفاوت نبوده‌اند. صدای مظلومیت آنها را من خودم و فرزندان ما در ایران و خارج ایران همه جا منعکس می‌کردند. حضور من در کنفرانس‌های اسلامی کراچی، بیت‌المقدس، مکه و قاهره در زمان عبدالناصر اصلاً برای دفاع از حق فلسطینی‌ها بود چون دشمن فلسطینی‌ها فقط دشمن فلسطین نیست و نبوده بلکه دشمن همه عالم است.^۲

۴. جمع‌آوری کمک‌های مالی برای مردم فلسطین

همان‌گونه که بیان گردید مسجد هدایت به عنوان پایگاه مهم آیت‌الله طالقانی جهت نشر افکار اسلامی و مبارزات علیه رژیم استبدادگر پهلوی و همچنین سایر مبارزات همچون مبارزه با رژیم اشغالگر بوده است. در آن دوره خفقان یکی از اصلی‌ترین راه‌های جمع‌آوری کمک‌های مالی، فطریه‌های مردمی بود زیرا منابع مالی دیگری برای کمک به مردم فلسطین وجود نداشت. این در حالی بود که دولت با این‌گونه حرکت‌های اسلامی و اسلام‌دوستانه مخالفت می‌ورزید. لذا فطریه‌های مردم ایران بزرگ‌ترین کمک به مردم فلسطین بود.

در سال ۱۳۴۰ که آیت‌الله طالقانی برای اولین بار اقدام به جمع‌آوری فطریه برای کمک به مردم فلسطین نمود، امامت نماز عید فطر را در دبیرستان کمال (تهران) بر عهده داشت. این اقدام اولین اقدام عمومی و مردمی بود که از طرف ملت ایران نسبت به ملت فلسطین انجام می‌گرفت و آغاز حرکتی شد که در عید سال ۱۳۴۹ به تبعیت از اقدام ایشان توسط استادان شهید مطهری و دکتر شریعتی در مسجد الجواد و حسینیه ارشاد تداوم یافت. اما دستگاه جبار حاکم که از این اقدام رشادت‌آمیز و جسورانه آیت‌الله

۱. مصاحبه با سیدمهدی علایی فرزند مرحوم طالقانی رک:

<http://www.hawzah.net/hawzah/Magazines/MagArt.aspx>





طالقانی وحشت زده شده بود در عید فطر سال ۱۳۵۰ خانه ایشان را به محاصره درآورد و مانع ورود ایشان به مسجد شد و یک ماه بعد ایشان را به زابل تبعید کرد.^۱ اقدام مهم دیگر مربوط به جمع آوری کمک‌ها و فطریه‌های مردم در سال ۱۳۴۸ بود. در عید فطر سال ۱۳۴۸ که نماز عید به امامت آیت‌الله طالقانی در مسجد هدایت ترتیب یافت، جمعیت بی‌شماری از دانشگاهی، روحانی، بازاری و... تجمع نمودند... ایشان ابتدا به بیان هدف بعثت انبیا و بعد به اوضاع کشورهای اسلامی و گرفتاری و پراکندگی مسلمین اشاره نمود و رشته سخن را به وضع رقت‌بار آوارگان فلسطینی که در اثر تجاوزات ظالمانه یهودی‌های صهیونیست خانه و کاشانه و سرزمین‌های خود را از دست داده و آواره بیابان‌ها و سرگردان شهرها بودند کشاند... آن‌گاه ضمن مطالب کوتاهی درباره فلسفه فطریه و اهمیت همبستگی و رفع گرفتاری مسلمانان، برای اولین بار مصارف فطریه را از محدوده خانواده، قبیله و شهرها خارج ساخت و با نگرش جهان‌بینی اسلامی ضرورت کمک به برادران مسلمان آواره فلسطینی را تجویز نمود... پس از اتمام سخنرانی قبل از اینکه بنشینند فطریه خانواده خود را از جیب بیرون آورد و در کنار محراب گذاشت و فرمود

۱. نهضت آزادی، طالقانی در آئینه گفتار و کردار، تهران، نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۲، ص ۲۴.



من فطریه‌ام را برای کمک به فلسطینی‌ها می‌دهم.^۱ همان‌گونه که بیان گردید این رویه آیت‌الله طالقانی، تا پایان عمرشان تداوم یافت. مهندس میثمی در خاطراتش بیان می‌دارد: «یادم می‌آید که در سال ۱۳۴۹ روز عید فطر پدر طالقانی در مسجد هدایت فطریه‌ها را برای فلسطین جمع‌آوری نمود.»^۲ آقای جعفری نیز در خاطرات خود چنین بیان می‌دارد:

در آن روز ایشان برای مردم و سازمان‌های فلسطینی کمک مالی جمع‌آوری کردند. از جمله این سازمان‌ها الفتح بود. بعد از آنکه این کمک‌ها جمع‌آوری شد، آقای شیخ رهنما که رابطه خوبی با فلسطینی‌ها داشت و بنده، این کمک‌ها را بردیم به سفارت که تازه در تهران بازگشایی شده بود و تحویل مقامات سفارت مصر در ایران دادیم و از آنها درخواست کردیم که به الفتح بدهند. شهید مطهری از رفت و آمد من به سفارت مصر مطلع شد و روزی مرا خواست و گفت... ما هم در حسینیه ارشاد کمک‌هایی جمع کردیم. این کمک‌ها به نام سه نفر است: ابوالفضل زنجانی، دکتر علی‌آبادی و خود من. از آنان بخواه که ما هم این کمک‌ها را به آنها بدهیم تا به فلسطینی‌ها برسانند.^۳

اقدامات ضد صهیونیستی آیت‌الله طالقانی در دوران بعد از انقلاب

همان‌گونه که انقلاب اسلامی ایران تحولات عظیمی را در نظام بین‌الملل ایجاد کرد و کلیه اعتبار فکری مکاتب و اندیشه‌های غرب را به چالش کشید، در روش مبارزاتی نیروهای مذهبی نیز تحولی ماهوی ایجاد نمود. مبارزات روحانیان و نیروهای مذهبی که ضد فساد، استعمار، صهیونیسم و... بود و بعضاً در خفا و پنهانی بر اساس موازین اسلامی صورت می‌گرفت، بعد از انقلاب از خفا درآمد و همسو با اصول و اهداف انقلاب اسلامی قرار گرفت. در این راستا صهیونیسم‌ستیزی نیز با اهداف روحانیان مبارز قبل از انقلاب اسلامی و اصول و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همسو شد؛ این همسویی باعث شد که ایران با اسرائیل قطع رابطه سیاسی-اقتصادی نماید و از مردم مظلوم فلسطین حمایت کامل کند. ایشان بیان می‌داشتند:

۱. سیدمحمدحسین میرابوالقاسمی، همان، ص ۵۶۲.

۲. عباس داودیان فر، ابوذر انقلاب؛ زندگینامه آیت‌الله طالقانی، تهران، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۲.

۳. سیدمحمد مهدی جعفری، همگام با آزادی؛ خاطرات شفاهی سیدمحمد مهدی جعفری؛ تدوین سیدقاسم حسینی، صحیفه خرد، ص ۵۱.



آیت الله طالقانی بیان داشتند:
 اگر خودمان را نجات دادیم،
 نه تنها از دولت فلسطین بلکه
 از هر دولت مظلوم دیگری
 طبق وظایف اسلامی و انسانی
 حمایت می‌کنیم. اگر توانستیم
 از طریق دولت‌ها و اگر
 نتوانستیم از طریق ملت‌ها آنها
 را مورد حمایت قرار می‌دهیم

در واقع هر انقلاب علیه ظلم، علیه استثمار در هر جای دنیا
 که باشد از نظر ما یک انقلاب اسلامی است چرا که روح اسلام
 و مفاهیم اسلام در جهت رفع ظلم از همه ابنای بشر، همه
 انسان‌ها، مظلومین و مستضعف است. سرنوشت ما سرنوشت
 کوبا، فلسطین و همه کشورهای اسلامی است. سرنوشت ما
 از یکدیگر جدا نیست.^۱

اسلام رسالت خود را رهایی و آزادی تمامی محرومان و
 زحمتکشان جهان می‌داند و در نتیجه مسلمانان باید خصلت
 اسلامی خود را حفظ نموده و برای رهایی و آزادی همه ملل
 محروم و مسلمانان استعمارزده جهان تلاش نمایند.^۲

لذا ایشان با توجه به مظلومیت مردم فلسطین، مسئله فلسطین را اصلی‌ترین مسئله
 جهان اسلام عنوان نمودند و این مسئله را رأس مسئله جهان اسلام می‌دانستند.^۳ ایشان
 در خصوص چگونگی رابطه با فلسطین بیان داشتند:

اگر خودمان را نجات دادیم، نه تنها از دولت فلسطین بلکه از هر دولت
 مظلوم دیگری طبق وظایف اسلامی و انسانی حمایت می‌کنیم. اگر توانستیم
 از طریق دولت‌ها و اگر نتوانستیم از طریق ملت‌ها آنها را مورد حمایت قرار
 می‌دهیم.^۴

آیت‌الله طالقانی در مورد مبارزه با اسرائیل بیان می‌داشتند:

سی سال است در مبارزه با این قوم می‌گذرد، سی سال است که ملت
 فلسطین در زیر سخت‌ترین ضربات تبلیغاتی و جنگی به سر می‌برد و امروز
 سرافراز بیرون می‌آید و امروز می‌بینیم ما که در ایران جرئت نداشتیم یک
 جلسه‌ای برای هماهنگی و هم‌صدایی و هم‌ندایی با مردم فلسطین تشکیل
 بدهیم، با آزادی، صدای خودمان را با صدای مردم فلسطین و نماینده
 فلسطین با هم برای پیشبرد هدف‌های مشترک، بلند می‌کنیم. ما که در دوره
 استضعاف جرئت نداشتیم درباره فلسطین کلمه‌ای بگوییم، امروز مسائل
 فلسطین را در مرکز علمی مان در دانشگاهمان مطرح می‌کنیم. امیدواریم

۱. بهرام افراسیابی و سعید دهقان، همان، ص ۵۱۱.

۲. جزوه طالقانی و فلسطین، همان، ص ۲۳.

۳. سید محمود طالقانی، همان، ص ۲۸۵.

۴. بهرام افراسیابی و سعید دهقان، همان، ص ۴۰۷.

آیت‌الله طالقانی در سخنرانی‌های بعد از انقلاب بیان می‌داشتند: ما ملت ایران، این ملتی که انقلاب کرد، برخاست با تمام قوا برای دستگیری و کمک به هر ملت مظلوم، به خصوص ملت فلسطین و مستضعفین در هر کجای دنیا تا آن قدری که امکان داریم اقدام می‌کنیم

جوان‌های ما بیشتر مسائل فلسطین را بشناسند که یک درس بزرگ تاریخی قرن ماست و بیشتر روابطشان را تحکیم بکنند و هماهنگی خودشان را بنمایانند تا بتوانیم این انقلابی را که در دو نقطه حساس دنیا (ایران و منطقه فلسطین) پدید آمده، به یاری حق و به همت و هم‌رزمی همه ملت‌ها به پایان برسانیم.^۱

در این راستا بسیاری از رهبران یا نمایندگان ملت‌ها،

نهضت‌ها و جنبش‌های کشورهای اسلامی که به طور سری یا علنی به ایران می‌آمدند و همه آنان تشنه دریافت ایدئولوژی و اهداف انقلاب اسلامی ایران بودند، بعد از ملاقات با بنیان‌گذار انقلاب اسلامی به ملاقات آیت‌الله طالقانی که عملاً تجربه مبارزه داشت و طعم زندان را چشیده بود می‌شتافتند، در محضرش به گفت‌وگو می‌نشستند و از اندیشه‌های اسلامی و دیدگاه‌های انقلابی وی بهره می‌گرفتند. لذا ایشان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، توجه بسیاری به مسئله فلسطین نشان دادند. ایشان در دفتر کارشان با اعضای یک هیئت کویایی که ریاست آن را وزیر صنایع شیمیایی آن کشور برعهده داشت و خود را برای کنفرانس غیر متعهدها آماده می‌کردند، دیدار و ملاقات داشتند. در این جلسه ضمن بیان اینکه در کنفرانس غیر متعهدها در هاوانا می‌باید به دنیای آزاد، دنیای مستضعفان و مظلومان خدمت کرد، در مورد اسراییل خاطر نشان ساختند که انقلاب ما به یاری خداوند پیش خواهد رفت و از این جهت نگرانی نداریم اما نگرانی ما مربوط به عقده‌های چرکینی است که به نام اسراییل و صهیونیسم خوانده می‌شود. امیدواریم که کشورهای غیر متعهد همه سعی خود را به کار ببندند تا این برج‌های مراقبت را که منشأ درگیری‌ها و جنگ‌ها هستند از بین ببرند. ما انتظار داریم که مسئله اسراییل در صدر مسائل کنفرانس قرار گیرد و همه با اتفاق، قرارداد کمپ‌دیوید را محکوم و از ملت مظلوم و آواره فلسطین پشتیبانی کنند.^۲ در افطاری شب ۲۸ رمضان ۱۳۵۸ ه.ش که در دفتر آیت‌الله طالقانی برای سفرای کشورهای اسلامی ترتیب داده شد، ایشان از فلسطین به عنوان رأس به درد آمده و شاکی پیکر اسلام سخن گفت و با یادآوری این زخم مزمن در بدنه امت اسلامی، از مسلمانان

۱. ابوذر زمان؛ یاران امام به روایت اسناد ساواک؛ همان، ص ۱۰.

۲. بهرام افراسیابی و سعید دهقان، همان، ص ۵۱۲.





خواست که آزادی قدس را در سرلوحه برنامه خود قرار دهند.^۱ چنان که رهبران سازمان آزادی بخش فلسطین در تهران به خدمت آیت الله طالقانی رسیدند، مبارزات آنها را برای آزادی سرزمین های خود ستود و صمیمانه قول کمک و حمایت از مقاومت فلسطین را به آنان داد. ایشان ایران را وطن فلسطینیان می دانست و به همین دلیل وقتی که برادران فلسطینی از جمله یاسر عرفات را در ایران ملاقات نمود به آنان گفت: «شما برادران امروز در خانه خودتان هستید» و عرفات یک جلد قرآن نفیس، هدیه مردم ایران را به گرمی پذیرفت و از سفارت نوبنیاد فلسطین دیدن نمود.^۲ آیت الله طالقانی در سخنرانی های بعد از انقلاب بیان می داشتند:

ما ملت ایران، این ملتی که انقلاب کرد، برخاست با تمام قوا برای دستگیری و کمک به هر ملت مظلوم، به خصوص ملت فلسطین و مستضعفین در هر کجای دنیا تا آن قدری که امکان داریم اقدام می کنیم. چون قیام ما برای نجات مستضعفین است. اول مستضعفین ایران بعد مستضعفین ملت های عرب و ملت های مسلمانی که اسیر حکومت هایی هستند که به ناحق و بدون رضای ملت ها بر آنها حاکمیت دارند...^۳

۱. سیدمحمد مهدی جعفری، همان.

۲. سیدمحمد حسین میرابوالقاسمی، همان، ص ۵۶۶.

۳. سیدمحمد طالقانی، همان، ص ۱۷۳.

آیت الله طالقانی: ببینید الان صهیونیسم خونخوار چگونه دندان روی هم می فشارد و برای ما نقشه می کشد! به خصوص از این ابتکاری که مسلمان‌ها، رهبر ما، دولت ما و ملت ما نشان داد که روز جمعه آخر رمضان در سراسر کشورهای اسلامی را روز قدس نام نهاد

ایشان همواره فراتر از شعارها می رفتند و خواهان اقدام عملی در برابر صهیونیست‌ها و استعمارگران بین‌المللی و همچنین وحدت مسلمانان جهان بودند.

باید بیش از این شعارها و اجتماعات به عمل بپردازیم، مجهز شویم. همان‌طور که امام فرمودند اگر یک سطل آب هر کدام از مسلمانان ریخته بودند، سیلی می شد که صهیونیسم را از بین می برد. همان‌طوری که در «منا» هر کدام هفت ریگ می زنید و

برج شیطان و کفر را غرق ریگ می کنید. هر کدام یک ریگ، یک سنگ و یک سلاح در دست بگیرید. همه مجهز بشوید. صهیونیست‌ها دشمن واحد تمامی خلق‌های محروم جهان می باشند. لذا برای مقابله با دشمنان ملل محروم به همکاری و روابط فیما بین این ملل، نیاز است.^۲

به خصوص ما مسلمان‌های ایران که دائماً در معرض این فتنه هستیم. ببینید الان صهیونیسم خونخوار چگونه دندان روی هم می فشارد و برای ما نقشه می کشد! به خصوص از این ابتکاری که مسلمان‌ها، رهبر ما، دولت ما و ملت ما نشان داد که روز جمعه آخر رمضان در سراسر کشورهای اسلامی را روز قدس نام نهاد. ما خطابمان به عموم ملت‌های اسلامی است. بعضی از دولت‌ها هستند که هنوز آگاهانه و ناآگاهانه بازی می کنند. ملت‌های مسلمان باید خودشان راه بیفتند. همه مجهز و آماده. روزی برسد که همه حرکت کنیم به طرف بیت المقدس. ما هم باید آماده باشیم. از دبستان، دبیرستان و دانشگاه باید بچه‌های خردسال ما، زن‌ها و مردهای ما، پیر و جوان ما آماده دفاع باشند. دفاع از بیت المقدس. چرا که دفاع از بیت المقدس دفاع از حریم خداست و بر همه واجب است. من پیشنهاد می کنم در مدارس، روستاها و کارخانه‌ها، روزهای معینی اشخاص وارد، بچه‌ها و جوانان و زن‌های ما را تمرین نظامی بدهند و در تمام کشورهای اسلامی به این صورت باشد.^۳

ایشان همچنین بیان داشتند:

۱. اصغر طاهری بروجنی، همان، ص ۳۵.
۲. جزوه طالقانی و فلسطین، همان، ص ۱۹.
۳. اصغر طاهری بروجنی، همان، ص ۳۵.





شناخت آیت‌الله طالقانی از قوم
 یهود و تسلط ایشان بر تاریخ
 یهود، برگرفته از اشراف وی به
 قرآن کریم و تفسیر آن می‌باشد

از آن روزی که روز قدس اعلام شد، ببینید در خیابان‌های
 تهران چه حوادثی پیش آمده است! یک‌جا آرام می‌گیرد،
 جای دیگر شلوغ می‌شود... به یقین بدانید اینها چه بخواهند
 چه نخواهند آلت دست صهیونیست‌ها و استعمار هستند.^۱

از دیگر پیشنهادهاتی که ایشان بیان داشتند آن بود که به پاس فداکاری‌ها و رشادت‌های
 مردم فلسطین، شهردار تهران یکی از خیابان‌های تهران را به نام قدس نامگذاری نماید.^۲
 همچنین پیرو فرمایش حضرت امام خمینی (س) مبنی بر اختصاص یک روز به موضوع
 فلسطین به منظور همبستگی تمام جهان اسلام با مسئله فلسطین، آیت‌الله طالقانی بعد از
 سخنرانی نماز جمعه آخر ماه مبارک رمضان (۲۶ مرداد ۱۳۵۸) پیشنهاد دادند که هر سال
 در این روز (روز قدس) اجتماعی برگزار و مسائل قدس و فلسطین برای عموم تبیین شود.^۳

نتیجه‌گیری

شناخت آیت‌الله طالقانی از قوم یهود و تسلط ایشان بر تاریخ یهود، برگرفته از اشراف وی
 به قرآن کریم و تفسیر آن می‌باشد که این امر خود منجر به شناخت ایشان از صهیونیسم
 گردید. چنین شناختی باعث شد که آیت‌الله طالقانی مسئله فلسطین را مسئله بسیار
 بزرگ دنیا بدانند. ایشان بیان می‌داشتند که وظیفه مسلمانان دنیا است که این جرثومه
 فساد را دفع نمایند؛ در غیر این صورت اتحاد مسلمانان نابود می‌گردد. ایشان تأکید داشتند
 که اگر با این جرثومه فساد مقابله نکنیم و گوشه‌گیری برگزینیم همه نابود می‌شویم.
 ایشان با تأکید بر اینکه دشمنان مردم فلسطین، فقط دشمنان فلسطینی‌ها نیستند، بیان
 می‌داشتند که صهیونیست‌ها دشمن واحد تمامی خلق‌های محروم جهان می‌باشند و برای
 مقابله با دشمنان ملل محروم به همکاری و روابط فیما بین این ملل نیاز است.^۴
 وی معتقد بود در حال حاضر صهیونیست‌ها و استعمارگران همواره در پی ایجاد و شکل
 دادن به فتنه‌هایی هستند که حرکت انقلابی ایران را فلج نمایند. از نظر آیت‌الله طالقانی
 عوامل فتنه چنان برای ما برنامه‌ریزی کرده‌اند که تنها راه مقابله با آن هوشیاری و حضور
 در صحنه می‌باشد.^۵

۱. خطبه‌های نماز (از بیانات مجاهد نستوه حضرت آیت‌الله طالقانی)، ناس، بی‌تا، ص ۳۵.
۲. همان، ص ۳۵؛ همچنین رک: مجموعه خطبه‌های نماز جمعه ابودر زمان آیت‌الله طالقانی، تهران، انجمن
 اسلامی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت، بی‌تا.
۳. خطبه‌های نماز، همان.
۴. جزوه طالقانی و فلسطین، همان.
۵. خطبه‌های نماز، همان.